

■ شما بخشی از رکود موجود در حوزه کار دانشجویی را متوجه خود دانشجویان دانستیدکه به دلیل دستمزد پایین حاضر به همکاری نیستند. به نظر شما بی‌رغبتی زیرمجموعه‌های دانشگاه به استفاده از نیروی دانشجویان در این رکود تأثیری نداشته است؟ من قبول ندارم که کار دانشجویی در دانشکده راكد است، چون کار دانشجویی در بخش معاونت دانشجویی و همینطور در قالب دستیاران اساتید در حال انجام است. اما به قول شما باید تنوع بیشتری پیدا کند و برای فراخوان هم بایدگسترده‌تر عمل کرد. همه‌ی این بی‌رغبتی هم مرتبط به مسئله‌ی مالی نیست و بخش مهمی از آن به دلیل سختی کار است. باید هزینه‌ها را پذیرفت و بخشی از آنها مربوط به مسائل ارتباطی و هزینه‌های زمانی هستند.

مثلاً در قانون، ۶۰ ساعت کار ماهیانه برای کار دانشجویی تعریف شده است اما دستیار بیش از این سقف زمانی وقت می‌گذارد. به نظر من سختی ماجرا خیلی مهم‌تر از بحث مالی است. کسانی بوده‌اند که بدون چشم‌داشت مالی آمده‌اند اما کار را رها کرده‌اند و به دلیلی سختی‌ها انصراف داده‌اند.

■ در سایت دانشگاه‌هایی مثل شهید بهشتی، علم و صنعت وحتى دانشکده هایی مثل دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بخشی به نام کار دانشجویی وجود دارد که به دانشجویان در مورد کار در بخش‌های مختلفی مانند کتابخانه، سایت، واحد ورزش و غیره اطلاع رسانی شده و بعضاً فرم مربوطه هم وجود دارد. به طور قطع این دانشگاه‌ها به اندازه‌ی تمام متقاضیان فرصت شغلی نخواهند داشت اما به هر حال لیستی از متقاضیان کار دانشجویی تهیه می‌شود تا در صورت نیاز دعوت به کار شوند. در سایت دانشکده‌ی ما نه تنها چنین بخشی وجود ندارد بلکه حتی به کار دانشجویی که

در حوزه‌ی وظایف معاونت دانشجویی است اشاره‌ای هم نشده است.

من حتماً پیگیری می‌کنم و به دوستان می‌گویم تا این نقص اصلاح شود و امکان تکمیل فرم درخواست هم فراهم شود؛ همچنین اعلام نیاز به کار دانشجویی از سوی معاونت دانشجویی هم ذکر بشود.

■ آقای دکتر اعتمادی‌فرد! تا به اینجای بحث شما از کار دانشجویی رسمی که در حوزه‌ی قانونی شما تعریف شده است صحبت کردید، سؤال این است که شما به عنوان استاد و معاون دانشجویی، برای گسترش کار دانشجویی فراتر از حوزه‌ی قانونی خود و اِبلاغیه‌های موجود چه کرده‌اید؟

تشکل‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها و حتی جهاد دانشگاهی همیشه با معاونت فرهنگی همکاری داشته‌اند و من تلاشم بر این بوده است تا بچه‌ها متناسب با مهارت و علاقه‌ی خود به تشکل مربوطه سوق پیدا کنند و فعالیت‌شان دیده شود. حالا این دیده‌شدن گاهی شکلی جدی‌تر و فراتری پیدا می‌کنند. به عنوان مثال برخی از بچه‌ها به دنبال آن بوده‌اند که تا قبل از تأسیس کانون تئاتر هم برنامه اجرا کنند و من گفته‌ام که حتی تا پیش از تأسیس کانون، سعی می‌کنم با ارجاع به یک انجمن یا تشکل دیگر این امر انجام شود. حتی در بخش علمی-پژوهشی هم پارسال، از سوی دانشجویان انجمن علمی چند مورد کتاب با موضوعات ویژه چاپ شدکه اصلاً نباید دست‌کم گرفته شود. از این گونه کارها نباید گذشت و ارزش آن را پایین دانست چرا که همین فعالیت‌ها باعث می‌شود تا از یک مواجهه‌ی عادی با امور که همه دارند، شما چیزی را ببینید که بقیه به آن توجه دغدغه‌مندی نکرده‌اند. من استقبال می‌کنم که دانشجویان در باب مسائل روز منطقه و کشور با کمک اساتید شروع به فعالیت کنند و در زمینه‌ی انتشار آن می‌توان رایزنی کرد.

کاملاً می‌پذیرم که باید به نقاط آرماتی‌تر هم فکر

کرد. من تا جایی که بتوانم به صورت جزئی و رفتاری حاضرم کارهایی انجام دهم و رایزنی هم بکنم. اما باز هم می‌گویم که این امور با ممارست و تمرین ایجاد می‌شود و اصلاً نباید تلاش‌های جزئی را نادیده گرفت. من برای همایش هشت دهه علوم اجتماعی از نمایندگان چهار انجمن علمی- دانشجویی وقت در کمیته‌ی همایش دعوت کردم و آن‌ها به فراخور رشته، برای تهیه‌ی کتابچه‌ی تاریخچه‌ی دانشکده همکاری کردند و حتی در همایش، بخشی را به ارائه‌ی مقالات دانشجویان اختصاص دادیم که هم در سایت و هم در انجمن‌ها فراخوان آن منتشر شد. اگر چه نمی‌شود همه‌ی موانع را از سر راه برداشت اما می‌شود حداقل استارت کار را زد و خود دانشجویها بسیار کمک کرده‌اند. به شخصه هر کمکی بشود انجام می‌دهم.

خود نشریه‌ی ویرگول در جشنواره‌ی نشریاتِ امسال از قِبل تلاش‌های مرحوم رضائی توانست موفقیت کسب کند و ایشان کسی بود که بسیار پُرانگیزه و ایده‌پرداز بود و هیچ چیز را در دانشکده نادیده نمی‌گرفت. از این‌ها نمی‌شود گذشت و این را دیدید که در جشنواره، نشریاتِ دانشکده‌ی ما جزو رتبه‌های برتر دانشگاه شد. این‌ها بخاطر این است که دانشجویان دانشکده‌ی ما در مقایسه با دانشجویان دیگر هم ذهن پویاتر، فعال‌تر و توانمندتری دارند و هم با مسائل اطراف درگیرند. این زمینه‌ای است که باید در اِعِدّ خرد جدی گرفته شود تا به ابعاد کلان‌تر برسد.

واقعاً من اگر بتوانم کمکی انجام دهم قطعاً انجام خواهم داد. پیشنهاد بدهید، من استقبال خواهم کرد.

به عنوان نمونه من مستمراً با مسئول جهاد دانشگاهی دانشکده، آقای میرزایی، در تماس هستم و از ایشان می‌خواهم تا از افراد مستعد دانشکده استفاده کند، چنانچه یک تیم متشکل از دانشجویان در جهاد گرد هم آمدند تا در آن‌جا مشغول فعالیت باشند. این قدم‌های کوچک است که تبدیل به قدم‌های بزرگ‌تر خواهد شد.

در ایام تعطیلات (همچون اسکان نوروزی مسافرین) که در برخی از دانشگاه‌های سطح کشور وجود دارد، در دانشگاه تهران منتفی‌ست و این موضوع خود عدم اختصاص این فضا در این برهه‌ی زمانی به دانشجویان را بیشتر زیر سوال می‌برد.

کوتاه‌سخن اینکه دانشجویان خوابگاهی هم‌اکنون نیز با مشکلات عدیده‌ای در خصوص اسکان خود مواجه‌اند (از ناکارآمدی سیستم رزرو تا نرخ اجاره‌بهای فزاینده، اسکان دانشجویان شبانه، سنواتی و ...) و مساله‌ی بسته‌شدن خوابگاه‌ها در ایام نوروز و تعطیلات تابستان نیز بر تمام مشکلات پیشین افزوده شده و بر چالش‌ها و نگرانی‌های ایشان می‌افزاید. نظارت مجدد بر قوانین منع اسکان در بازه‌های زمانی گفته‌شده و تجدیدنظر در آن‌ها مطالبه‌ی بسیاری از دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها است و انتظار می‌رود رسیدگی به این مطالبه هر چه زودتر در دستور کار مسئولین دانشگاه قرار گیرد.

# ویرگول

شماره بیست و ششم/ اسفند ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران  
مدیرمسئول: مهدی یار زمزم  
سردبیر: صبورا سمنانیان

## سختی کار دانشجویی با حق الزحمه‌ها هم خوانی ندارد گفتگو با معاونت دانشجویی دانشکده‌ی علوم اجتماعی

در ویرگول این شماره، به فراخور بحثی که چندین‌بار در جلسات دانشجویان با هیئت‌رئیس‌ه و همین‌طور در نشست‌های عمومی شورای صنفی طرح می‌شد، به سراغ «کار دانشجویی» در دانشکده رفتیم. عنوانی که معمولاً در اذهان دانشجو با ابهامات فراوانی همراه است. ذکر یک نکته‌ی مهم می‌تواند ابعاد گسترده‌ی این موضوع را سامان ببخشد؛ می‌توان برای عنوان کار دانشجویی دو حوزه را برشمرد. یک بخش آن مربوط به فعالیتی است که اطلاع رسانی، توزیع، نظارت و پرداخت حق الزحمه‌ی آن برعهده‌ی معاونت دانشجویی هر مؤسسه است و بخش دیگر، حوزه‌ی گسترده‌ای است که هرگونه فعالیت دانشجویان در قالب دستیاری اساتید، همکاری در طرح‌های آموزشی و پژوهشی و امثالهم را شامل می‌شود.

هدف از این مصاحبه، پرداختن به بخش اول و طرح سؤالات و ابهاماتی بود که نسبت به عملکرد معاونت دانشجویی در رابطه با «کار دانشجویی» وجود داشت؛ اما در خلال بحث، به بخش دوم نیز رسیدیم و دامنه‌ی صحبت وسیع‌تر شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل گفتگویی حدوداً یک ساعته با دکتر سیدمهدی اعتمادی فرد، معاون دانشجویی- فرهنگی دانشکده‌ی علوم اجتماعی است.

جسمی باشند، قطعاً اولویت با آن‌هاست.

■ شرایط حال چه طور است؟ الان شرایط برای اشتغال دانشجویان در فضای دانشکده به چه صورت است؟

الآن هم همینطور است. اتفاقاً من پرسیدم و گفتند که همین امسال هم روی برد اعلام شده بود و حتی دانشجویان هم مراجعه کرده بودند و ظاهراً بعضی از دانشجویان بخشی از کار را هم چندروزی انجام داده بودند و بعد، به دلیل سختی کاری که ممکن است کار با معلولان و روشن دلان داشته باشد، اعلام انصراف کردند. شرایط به نحوی شد که ما مجبور شدیم به معاونت‌های دانشجویی دانشکده‌های دیگر اعلام نیاز برای کار دانشجویی کنیم. یک مشکلی که کار دانشجویی دارد این است که به دلیل سختی کار از یک سو و از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های مالی‌ای که برای پرداخت‌های مصوب دانشگاه وجود دارد، شاید این سختی با آن هزینه هم‌خوانی نداشته باشد. به همین دلیل بچه‌ها ابتدا که می‌آیند ممکن است حتی تا زمانی همراهی هم نکنند ولی بعد اعلام انصراف می‌کنند.

■ به طور متوسط در هر ترم چند دانشجو مشغول به کار دانشجویی می‌شوند؟

به طور میانگین، سالانه (دو نیم سال تحصیلی) ده، دوازده نفر هستند که مشغول به فعالیت می‌شوند. البته هر سال که دانشجویان وارد دانشکده

■ یکی از حوزه‌های مسئولیت معاونت دانشجویی، توزیع و نظارت بر امر موسوم به «کار دانشجویی» است؛ این حوزه تاکنون چه طور در دانشکده‌ی علوم اجتماعی پیگیری شده است؟

همان‌طور که خودتان هم فرمودید کار دانشجویی جزو وظایف معاونت دانشجویی محسوب می‌شود و تا الان اولویت عمده‌ی کارهای دانشجویی با معلولان، روشن‌دلان و کسانی بوده است که بخاطر مشکلات جسمی نمی‌توانستند هم‌چون سایر دانشجویان به فعالیت‌های عادی آموزشی، پژوهشی و تحصیلی خود ادامه بدهند. به همین خاطر تا الان اولویت اصلی بر این بوده که دستیارانی بتوانند برای این روشن‌دلان کتاب‌ها را بخوانند و بعد این‌ها فایل صوتی‌اش را بتوانند گوش بدهند، و یا در هر مشکل دیگری که ممکن است هر کدام از این گروه‌های معلول یا روشن‌دل داشته باشند، کمک کنند.

■ یعنی تنها عنوانی که کار دانشجویی به آن پرداخته شده برای دانشجویان دارای آسیب بینایی و حرکتی بوده است؟ حوزه‌های دیگری در دانشکده نداشتیم؟

چرا، داشتیم ولی اولویت‌مان این بوده است. ما دربخش‌هایی مثل نهاد رهبری یا کتابخانه موارد محدودتری داشت‌ایم. که مثلاً خود کتابخانه یا نهاد اعلام نیاز می‌کرده، یا حتی دانشجویانی خودشان مراجعه می‌کردند. ولی تا دانشجویان دارای مشکلات

### خوابگاه

## دانشجویان، مستأجران مستأصل خوابگاه‌ها

من باب لزوم بازنگری در ساز و کار منع اسکان دانشجویان در ایام نوروز و تابستان

سیده سارا حسینی

امسال نیز مطابق رسم معهود در نیمه‌ی اسفندماه، به دانشجویان ساکن تمامی خوابگاه‌ها ابلاغ شد که موظف به ترک خوابگاه در تاریخ ۲۷م این ماه هستند و تا ۱۳م فرودین‌ماه سال آینده امکان بازگشت به خوابگاه -تحت هیچ شرایطی- برای ایشان وجود ندارد. بدین ترتیب و در راستای تن دادن به ضرب‌العجل تعیین‌شده، دانشجویان می‌بایست تمامی آنچه که در این دو هفته و اندی بدان نیاز دارند \_\_من جمله کتب و جزوات حجیم و سنگین، پروژه‌های نیمه‌تمام و بسیاری از تکالیف و پروژه‌های درسی‌ای که قادر به جابجایی آن نیستند یا انتقال آنها به دشواری صورت می‌گیرد را با خود به شهرستان مقصد، فارغ از دوری و نزدیکی آن به پایتخت، حمل کنند.

حتی اگر با نگاهی مسامحت‌آمیز به معضل مطرح‌شده بنگریم باز به معضل جدید و جدی‌تری بر می‌خوریم؛ پس از پایان تعطیلات با توجه به تشکیل شدن قریب‌الوقوع کلاس‌ها و نیز موضع حق به جانب اساتید و مسئولین آموزش دانشکده‌ها در رابطه با دوری راه و دشواری بازگشت بهنگام، دانشجویان شهرستانی می‌بایست به تعجیل به تهران بازگردند. موضوعی که عملاً به خلق موقعیتی شبه‌بحرانی و به شدت استرس‌زا برای دانشجویان منجر شده است. دشواری تهیه‌ی بلیط، دست نیافتن بدان در موعد مقرر، بحبوحه‌ی شلوغی و ترافیک جاده‌ها و مسیرهای عبوری، همه و همه مشکلاتی به شدت محتمل‌الوقوع هستند که دانشجو در رخ دادن آنها به هیچ وجه دخیل نیست.

اگر تعریف ماهوی خوابگاه را خانه‌ی دانشجویان شهرستانی مشغول به تحصیل در پایتخت و نه صرفاً محل اسکان موقت ایشان بدانیم در درجه‌ی اول به این پرسش بر می‌خوریم: دانشگاه با اتکا به کدام منطق و مکانیزم دانشجویان خوابگاهی را ملزم به ترک اجباری خوابگاه و درواقع خانه‌شان می‌کند؟ دانشگاه به مثابه‌ی نهادی دارای اقتدار

## ادامه از صفحه ی اول

می‌شوند، بسته به اینکه این دانشجویان چه شرایطی داشته باشند، اوضاع تغییر می‌کند. همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، اولویت خود من شخصاً این بوده که اگر کسی دچار مشکل جسمی است حتماً در اولویت قرار بگیرد. از این جهت که این دانشجویان از بدو ورودشان در دانشکده تا هنگام انجام تکالیف کلاسی و پژوهش‌ها دچار مشکلات زیادی هستند. ارزشیابی‌های ما هم طوری هست که این‌ها و سایر دانشجویان را با هم می‌سنجیم. به همین دلیل ما باید زمینه را فراهم کنیم تا این دانشجویان به نحوی بتوانند نقصشان را جبران کنند.

■ **آیا چنین پیش‌بینی‌ای بوده است که باعث شده ما در سایر بخش‌های مربوط به کار دانشجویی هم رکود ببینیم؟ یعنی به خاطر بازخوردی که از همکاری دانشجویان در بخش مربوط به دانشجویان دارای آسیب بینایی گرفتید هست که در بخش انتشارات،کتابخانه، سایت، تغذیه و غیره هم فراخوانی داده نمی‌شود؟**

در بخش‌هایی مثل سایت و کتابخانه و تشکل‌هایی مثل نهاد رهبری و غیره، این‌ها باید درخواست بدهند، یعنی به ما اعلام کنند که ما به این دلائل نیازمند به کار دانشجویی هستیم؛ بعد ما بر اساس نیازمندی آن‌ها، اگر فراخوانی اعلام کردیم و بر اساس آن کسی مراجعه کرد به دوستان اعلام می‌کنیم. نهایتاً معرفی ما هم باید منوط به تأیید نهایی آن‌ها باشد.

■ **این روند درست است اما به نظر شما چرا هیچ درخواستی برای کار دانشجویی مثلاً از سمت کتابخانه داده نمی‌شود؟ آیا علت این است که هیچ نیازی به کار دانشجویی در این بخش‌ها دیده نشده است؟**

باید از خود این واحدها سوال کرد، اینکه چرا به من درخواست کار دانشجویی ارائه نشده را واقعاً نمی‌دانم.

■ **به نظر شما این فرهنگ به شدت در دانشکده‌ی ما کمرنگ نشده است؟**

ببینید کار دانشجویی یک عنوان عامی است که از بحث ما فراتر است. مثلاً کل فعالیت‌های غیررسمی دانشجویی را می‌تواند شامل شود. اگر از من بپرسید، فارغ از بحث معاونت دانشجویی، به شما عرض می‌کنم که فعالیت‌های دانشجویی مثل دستיاری در حوزه‌های پژوهشی یا اساتید، باید یک بخش عمده از کارهای دانشجویی حساب شود و این پدنه باید تقویت شود. خود اساتید دانشکده هم بعضاً با دانشجوها فعالیت می‌کنند و این امر واقعاً منافع دوسویه، هم برای استاد و هم برای دانشجو، دارد. دانشجو در یک فضای رسمی‌تری قرار می‌گیرد تا از قابلیت‌های استاد استفاده کند و بتواند توانمندی‌های خودش را به فعلیت برساند. و استاد هم می‌تواند از ظرفیت‌ها و

توانایی‌های دانشجوییش استفاده بکند. اما بحث ما الان کار دانشجویی‌ای است که برایش از طریق معاونت دانشجویی پول پرداخت می‌شود، از این جهت است که می‌گویم کارهای دانشجویی را نباید فقط به معاونت دانشجویی محدود کرد، کار دانشجویی فراتر هست. اما اگر در بدو امر بحث را به قلمرو اداری کار دانشجویی محدود کنیم، بله، این مسأله هست و دلیلش را هم نمی‌دانم، در دوره‌ی مسئولیت من عمدتاً درخواست‌های قبلی تمدید شده و کمتر درخواستی از سوی بخش‌ها جهت اعلام نیاز ارسال شده است.

■ **یک دیدگاه این است که بهره‌گیری از توانمندی دانشجو در بخش‌های مختلف برای طرفین، یعنی هم دانشجو و هم دانشکده، نفع مادی ندارد. ولی این قضیه را نمی‌توان انکار کرد که فرصت ارزشمندی جهت کسب تجربه برای دانشجو است و هم‌چنین باعث می‌شود دانشجو در اداره و پیشبرد امور دانشکده مشارکت کند.**

شما با توجه به برداشتی که از فضای کنونی دانشکده دارید و دیدگاهی که از هیئت رئیسه سراغ دارید، دید هیئت‌رئیس‌ه‌ی دانشکده را نسبت به این افزایش مشارکت دانشجو در سطح دانشکده چه‌طور می‌بینید؟

قطعاً بخشی از آن ضرورت دارد. فارغ از اینکه بخواهیم به محسنات و مزایایش فکر کنیم، بخشی از آن ضروری و انسانی است. برای همین است که می‌گویم اولویت اصلی من برطرف شدن مشکل دانشجویانی است که محدودیت جسمی دارند؛ این را نمی‌توان نادیده گرفت یا به بحث امکانات و سلائق و غیره ارجاع بدیم. این ضرورت است و با هر سلیقه‌ای باید برآورده شود. اما بخش‌های دیگری هست که به حسب نیازمندی‌های بخشی دانشکده باید تعریف شود. بسته به اینکه در هر بخشی مثل کتابخانه یا سایت چه وضعیتی و یا در هر ترم چه نیازمندی‌هایی وجود داشته باشد، این را باید خود مسئولِ آن بخش تعریف کند.

قطعاً من می‌دانم که هیئت‌رئیس‌ه مشکلی با اصل کار دانشجویی ندارد و حتی بخشی از آن برایش ضرورت دارد. فارغ از اینکه نظر اشخاص چیست، خودم را شخصاً موظف می‌دانم که سازمانی پیگیری کنم. حالا اگر موردی هم باشد که بخشی به من اعلام نیاز کند، قطعاً پیگیری می‌کنم تا یک کار دانشجویی متناسب با نیاز آن بخش با تأیید نهایی همان بخش تعریف شود.

■ **سؤال بعدی در مورد نرخ حق‌الزحمه‌هاست. همان‌طورکه می‌دانید در سال ۹۲به‌ازای هر ساعت کاردانشجویی، برای دانشجویان کارشناسی ۷۰۰ تا ۹۰۰ تومان، برای دانشجویان کارشناسی ارشد ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ و برای دانشجویان دکترا ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان تعریف شده است. آیا در سال ۹۳ و سال جاری شاهد افزایش نرخ بوده‌ایم؟**

در سال ۹۴–۹۳ حدود ۱۶۰۰ تومان برای

کارشناسی، تقریباً ۳۰۰۰ تومان برای ارشد و ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ برای دکترا بوده است.

■ **دانشجوهایی که کار دانشجویی می‌پذیرند چه ویژگی‌ای داشته‌اند؟ صرفاً به خاطر مسائل مالی بوده یا رغبت به همکاری در این امور؟**

اگر بخواهیم بگوییم مشکلات مالی، به لحاظ مالی عواید آنچنانی ندارد. به لحاظ تحصیلی هم، معمولاً افرادی که می‌آیند توانمند هستند. در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ شرایط کار دانشجویی مصوب ۹۴–۹۳ آمده دانشجویانی که در نیم‌سال‌های پس از اشتغال به کار دانشجویی مشروط شوند، از ادامه‌ی کار دانشجویی منع می‌گردند. یعنی اگر دانشجویی بیاید و بخواهد وقت هم بگذارد– به هر انگیزه‌ای– اما نتواند اصل وظیفه‌ی آموزشی خودش را انجام دهد، نمی‌تواند این کار را ادامه دهد. این نشان می‌دهد که این دانشجویان باید حداقل‌هایی را داشته باشند. معمولاً افرادی که می‌آیند، باوجود اینکه ممکن است به انگیزه‌ی مالی هم آمده باشند، افرادی هستند که علائقی انسانی دارند. من دیده‌ام افرادی را که واقعاً دوست دارند به دانشجویانی که مشکلی دارندکمکی بکنند و یک سنگی بردارند. یعنی من قضیه را فقط مالی نمی‌بینم. حتی در مورد بخش‌های دیگر هم این کار هزینه‌ی زمانی دارد و انرژی باید صرف شود، لذا بنظر می‌آید فقط بحث مالی نباشد؛ یعنی باید به آن محیط و آن مجموعه هم یک تعلقی داشته باشد.

■ **آماری که از دانشجویان مشغول به کار دانشجویی در حال حاضر داریم به چه صورت است؟**

از هر سه مقطع دانشجوی مشغول به کار داریم، هم خانم‌ها هستند و هم آقایان، و جالب این است که خانم‌ها بیشتر هستند. حدوداً می‌توانم بگویم که از مقطع کارشناسی ۷ نفر، از مقطع کارشناسی ارشد ۴ نفر و از مقطع دکترا ۱ نفر هستند.

■ **بنابراین از کل دانشجویان دانشکده، تنها حدود ۱۲ نفر مشغول به کار دانشجویی هستند…**

بله، در حال حاضر چنین است. اما هر ترم متفاوت است. بسته به دانشجویانی که هرسال وارد می شوند، مشکلاتی که دارند و درخواست‌هایی که هر بخش می‌دهد وضعیت متفاوت می‌شود.

■ **آیا بودجه‌ای که با عنوان کار دانشجویی در ردیف بودجه‌ی معاونت دانشجویی قرار می‌گیرد هرسال واریز می‌شود؟یا اینکه بر اساس تعداد دانشجویانی که مشغول به کار هستند درخواست داده می‌شود و پس از آن واریز صورت می‌گیرد؟**

الآن معاونت دانشجویی دانشکده هیچ ردیف بودجه مستقلی ندارد. فقط به صورت متمرکز مجتمعاً از طریق دانشگاه به حساب دانشکده واریز می‌شود و بعد ما می‌توانیم از حساب داخلی دانشکده این‌ها را

# دردار

پرداخت کنیم. یعنی همه‌ی این‌ها گزارش شده و تأیید می‌شود، به امضای معاونت اداری– مالی می‌رسد و بعد پرداخت می‌شود.

■ **یعنی تا الان بودجه‌ای به عنوان بودجه‌ی کار دانشجویی واریز نمی‌شده؟**

ما الان در مورد معاونت دانشجویی و فرهنگی هیچ درآمد مستقلی نداریم که از آن بتوانیم خرج کنیم. از این جهت، ما خودمان نمی‌توانیم بخش مالی کار دانشجویی را تأمین کنیم، چون ردیف بودجه‌ای نداریم. به همین دلیل این‌ها را گزارش می‌کنیم و پس از تأیید معاونت اداری– مالی به حسابدار ارائه شده و حسابدار از درآمد اختصاصی دانشکده آن‌ها را پرداخت می‌کند.

■ **این که فرمودید مستقلاً بودجه‌ای برای معاونت دانشجویی واریز نمی‌شود، برای سایر معاونت‌های دانشکده هم به همین صورت است؟ در حال حاضر اینطور است یا روال همیشه بر این بوده؟**

سابق را نمی‌دانم ولی از موقعی که من مسئولیت داشتم بحث حساب مالی در دانشکده متمرکز بوده است. الان مثلاً در آموزش هم همین‌طور است. یعنی در آموزش هم اساتید مدعوی که می‌آیند یا داورها، از طریق معاونت اداری مالی پرداخت می‌شود. این به دلیل است که همه سند داشته باشد و مشخص باشد این حساب‌ها بر چه اساسی هزینه شده است.

■ **در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۴ آیین نامه‌ی ارائه‌ی تسهیلات دانشجویی دانشگاه‌ها در قبال انجام خدمات، آمده که اگر ۱۰ درصد کل دانشجویان دانشکده برای انجام خدمات به کار گرفته شوند، تا نیمی از مبلغ کمک هزینه را سازمان امور دانشجویان پرداخت و بدین ترتیب حمایت مالی می‌کند. بنابراین حدی از حمایت مالی هم تعریف شده است…**

ما حداکثر زمان داریم؛ یعنی اینطور نیست که کار دانشجویی بدون سقف باشد. طبق ماده‌ی ۵ حداکثر مدت اشتغال هر دانشجو بر اساس شرایطی که گفتم ۶۰ ساعت در یک ماه است، و در ماده‌ی ۶ به عنوان نحوه‌ی پرداخت حق‌الزحمه‌ی کار دانشجویی قید شده است که حق‌الزحمه از محل درآمد اختصاصی پردیسی یا دانشکده قابل پرداخت می‌باشد. یعنی عملاً دانشگاه یا این آیین نامه بار مالی را از دوش خودش به دوش درآمد‌های اختصاصی دانشکده‌ها و پردیس‌ها منتقل کرده است.

■ **و این مسأله در میزان اشتیاقی که هر معاونت دانشجویی برای رونق بحث کار دانشجویی در دانشکده‌اش خواهد داشت تأثیر می‌گذارد…**

فارغ از همه‌ی این‌ها که چه بار مالی داشته

باشد و چه نداشته باشد، من خودم فکر می‌کنم بخشی از آن را خصوصاً در مورد دانشجویایی که دچار مشکل هستند به هیچ عنوان نمی‌توان نادیده گرفت. به نظر من حداقل‌ها فارغ از اینکه چه میزانی هست و چه کسی پرداخت می‌کند و محل تأمینش کجاست باید همیشه پرداخت شود. این را من شرط ضروری سازمانی خودم می‌دانم. بعد از آن، بله، نیازهای بخشی؛ مانند کتابخانه، سایت و جاهای دیگر هم به لحاظ سازمانی باید مد نظر قرار گیرد.

■ **دانشکده درمورد برنامه‌ریزی برای درآمدهای اختصاصی خودش چشم‌اندازی دارد؟ که به عنوان مثال با درآمدی که در سال ۹۴ دارد چند درصد به بخش کار دانشجویی در سال بعد بيفزاید و…؟ یا اینکه اکثراً در هنگام بروز مسائل به صورت مقطعی تصمیم‌گیری می‌شود؟**

بخشی از آن، جزء هزینه‌های جاری دانشکده است. مثلاً یک سری هزینه‌های معاونت دانشجویی یا پژوهشی هست که همیشگی است. ولی ممکن است مثلاً یک برنامه‌ی جشنی پیش بیاید و بودجه‌ای تأمین بشود که حداقل این کار بتواند انجام شود. این چیزی نیست که لزوماً بتوان از یک سال قبل آن را پیش‌بینی کرد. یا اگر در فضای دانشکده اختلالی ایجاد بشود مثلاً لوله ای بترکد، یا فضایی تخریب شود به صورت موردی معاونت اداری– مالی باید تصمیم بگیرد. ولی یک سری از هزینه‌های دانشکده همیشگی است. به همین دلیل هم معاون اداری– مالی می‌تواند درموردش تصمیم بگیرد و برنامه‌ریزی کند.

■ **شما در اوایل صحبت فرمودید ما در مورد دانشجویان دارای آسیب بینایی از طرف دانشجویان دانشکده استقبالی جهت همکاری نمی‌دیدیم و به دانشکده‌های دیگر متوسل شدیم. ولی طی تجربه‌ای که شورای صنفی داشت، فارغ از بخش اداری و روندهای رایج بروکراتیک، فراخوانی به دانشجویان دادیم و توانستیم جمعی را گرد هم بیاوریم که مشتاقند داوطلبانه و بدون هیچ حق‌الزحمه‌ای کتاب صوتی کنند و این قضیه دارد دنبال می‌شود. بر اساس این تجربه، آیا شما بخشی از نقص یا ضعف در حوزه‌ی کار دانشجویی را متوجه نحوه‌ی اطلاع رسانی یا نحوه‌ی پیگیری معاونت دانشجویی نمی‌دانید؟**

بله، قطعاً. اگر اطلاع‌رسانی گسترده‌تر و متنوع‌تر می‌بود، می‌شد از ظرفیت و توانایی‌های بدنه‌ی دانشجویی به صورت وسیع‌تری استفاده بشود و اینکه شما می‌گویید، تلاشی است که شورای صنفی دارد انجام می‌دهد و واقعاً تلاش قابل تحسینی هست. من این را می‌پذیرم که همیشه این اطلاع‌رسانی‌ها می‌تواند بهتر و با صورت‌های

متنوع‌تری باشد.

■ **و شاید با عزمی جدی‌تر.**

عزم غیرجدی را قبول ندارم. من خودم اگر

حل این مسأله را نمی‌خواستم به جاهای دیگر مراجعه نمی‌کردم. چندین‌بار حتی به کسانی که می‌دانستم می‌توانند یا سابقه‌ی این کار را دارند مراجعه کرده‌ام.

■ **برای کسانی که دستیار دانشجویان دارای آسیب بینایی هستند کلاس‌ها و کارگاه‌هایی جهت آموزش اصول اولیه و آشنایی با ضروریات گذاشته می‌شود؟**

بله، خود دانشگاه یک سری دوره‌هایی دارد. بخش مشاوره‌ی دانشکده هم در این زمینه اقداماتی می‌کند، اما به طور معمول خود افراد مراجعه‌کننده از قبل با مشکلات این دانشجویان آشنا هستند و در اصل به همین دلیل می‌خواهند در این بخش کار کنند. البته پیش می‌آید که فرد بعد از آغاز به کار می‌بیند شرایط خیلی سخت است و به آسانی چیزی که تصور می‌کرده نیست، در نتیجه از ادام‌ه‌ی فعالیت منصرف می‌شود.

■ **ما در جلسات عمومی با دانشجویان چنین بازخوردی داشتیم که کار دانشجویی فقط از بعد مادی برایشان مهم نیست و به جنبه‌ی کسب تجربه و کارورزانه بودن آن هم توجه دارند. پیش‌بینی می‌کنیم که اگر شرایط کار دانشجویی در بخش‌های کتابخانه، سایت و غیره فراهم باشد، دانشجویان از آن استقبال کنند، نظر شما در این باره چیست؟**

بله، این مورد را قبول دارم، اما فعالیت دانشجویان در این حوزه‌ها منوط به درخواست بخش مورد نظر (کتابخانه و…) برای استفاده از دانشجویان است. ما نمی‌توانیم فراخوان بدهیم برای چیزی که اعلام نیاز نشده است.

■ **حرف شما قابل قبول است اما معاونت دانشجویی نمی‌تواند در ترغیب سایر بخش‌ها به استفاده از نیروی دانشجویان مؤثر باشد؟** قطعاً. همین کاری که برای تهیه‌ی منابع صوتی روشندانل صورت گرفته است به نظر من قدم خیری بود که شما برداشتید. درست است که فقط بخشی از نیاز روشندانل کتاب‌های صوتی است اما این بخش مهمی است و من هم از هر گونه کمک در این زمینه دریغ نمی‌کنم؛ اما یک سری از مسائل باید به صورت اداری پیگیری شود که من در پیگیری آن‌ها هم کوتاهی نمی‌کنم. ان‌شاءالله به کمک شما بتوانیم هم تنوع کار دانشجویی را افزایش دهیم و هم نحوه‌ی اطلاع‌رسانی را بهبود ببخشیم و حتی اگر ممکن باشد، بخش مالی آن را هم تأمین کنیم.